

زارع

نگاهی بر پاسخ یک دوست

با سپاس فراوان از پاسخ نامهء دوست محترم فواد پامیری در سایت وزین «مشعل» به آنچه که در قید "گفتنی ها" عرض کلام کرده بودم اینک بازهم به خود اجازه می دهم تا با توشهء که در خورجین فقیرانه ام دارم در خدمت قرار گیرم. این بار سعی می کنم از پر حرفی های همیشگی انصراف ورزم و تنها چند جمله ای به بهانهء جواب من به جواب آن دوست روی خط بیاورم.

خوشحالم گفتمان ما مسیری را می پیماید که فاصله ها را در رهیابی حقیقت کوتاه تر گردانیده و دایرهء مخالفت و سوء تفاهم را هر چه بیشتر کوچک و محدود می سازد.

اگر این پروسه در همهء سطوح و محافل گفت و شنود روال مشابه را بپیماید بدون شک نتایج ثمربخشی بار خواهد آورد.

مدخل مباحثه را به درازا نمی برم و می پردازم به اصل موضوع.

در جوابیهء دوست محترم با مطالب تازهء برخوردارم که احتمالاً می خواستند در فاروم "نگاه" پیگیری نمایند. عمده ترین آن ازین قرار اند:

- نهضت آیندهء افغانستان رفاه و خوشبختی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را تا رسیدن به مرحلهء بورژوازی موکول می نماید.

- نهضت آیندهء افغانستان برنامهء کار آرا در شرایط فعلی نداشته برداشت های خشک و دگم از تیوری انقلابی و مارکسیزم دارد و به گذشته چسپیده است.

- نهضت آینده افغانستان زیر نام چپ هرچه خوب وبد، تر و خشک است تکفیر می نماید*

- نهضت آینده افغانستان رسیدن به قدرت سیاسی و یا شرکت در آنرا رد می نماید*

- نهضت آینده افغانستان بدیلی برای مبارزه طبقاتی ندارد تا در پرتو آن از مبارزه مسالمت آمیز صرف نظر گردیده شیوه های دیگر رسیدن به قدرت جستجو شوند*

- نهضت آینده افغانستان نمی خواهد در داخل کشور فعالیت کند*

- نهضت آینده افغانستان دستش به آلوی پارلمان نمی رسد می گوید آلوی پارلمان ترش است*

بر اساس آشنایی که با نشرات نهضت آینده دارم فکر نمی کنم پالیسی آن سازمان چنان است که دوست محترم گمان می برند ولی با آنهم چون اینها مسایلی اند که به زندگی سازمانی و فعالیت اندیشه ای نهضت آینده رابطهء مستقیم دارند بهتر است به خود نهضت آینده مراجعه کنیم و جویای ابراز نظر شویم چون من نه عضو نهضت آینده ام، نه سخنگوی آن و نه صلاحیت دارم دربارهء مسایل سازمانی و فکری آن سازمان نماینده گونه سخن پردازی کنم* من یک هواخواه ساده ام مثل صدها و هزاران دیگر* امید وارم صاحب نظران نهضت آینده بنا بر مسئولیتی که در قبال جنبش چپ کشور دارند پاسخ های صریح و قانع کننده ارائه نمایند*

اما چند حرفی می خواهم در موارد بالا به زبان آورم که البته نظر خودم است*

تلاش به سوی قدرت سیاسی و یا شرکت در آن برای یک حزب چپ دموکراتیک وسیله ایست در راستای رسیدن به اهداف برنامه ای نه خود هدف* حزب مبارزه می کند تا به وسایلی دست یابد که از طریق آن، اهداف خود را پیاده کند، اگر چنین امکان میسر نباشد و چپ نتواند در نهاد های قدرت کمترین کاری برای بهبود وضع انجام دهد آیا حضور صرفاً فزیکتی و نمایشی آن در کابینه و پارلمان می تواند اثری به جا گذارد؟ طور مثال وزیر خارجهء کشور از وابسته گان خانوادهء چپ است که قبل از

احراز کرسی وزارت، خود را پیرو مکتب فرانکفورت (نیومارکسیزم) میدانست مگر همینکه برای وزارت نامزد شد اعلان "دوستی" با مجاهدین کرد و آنچه در کیسهء "چپ" داشت واپس به "فرانکفورت" فرستاد، تنها کاری که انجام داد هموطنان پنجشیری را با هموطنان هراتی معاوضه کرد و تمام + دیپلو ماسی و سیاست خارجی کشور همانگونه که قبلاً درایت سیاسی نداشت هنوز هم در پریشانی و ناهنجاری دست و پا می زند +

دوست محترم گفته اند که اگر "کمونست ها" و چپی ها به پارلمان راه نمی یافتند هیچ چیزی از دموکراسی امریکای کم نمی شد، باید توجه کرد که اگر "کمونست ها و چپی ها" از پارلمان خارج شوند غیر از سردمداران و فرماندهان جهادی و پادوهایشان کسی دیگر باقی نمی ماند، در آنصورت تصور نمی کنم کسی جرئت کند پارلمان را دموکراتیک بنامد حتی همان امریکای ها، زیرا آنها مدعی اند که گردهم آئی گویا مجاهدین و کمونست های دیروز در زیر سقف پارلمان است که به آن سیمای دموکراتیک می بخشد + یعنی کمونست ها و چپی های دیروز برای امریکا آویز دموکراتیک دادند +

موافقم که آرمانهای آغازین ح د خ ا از تریبون پارلمان به گوش مردم رسید برای اینکه آنزمان افرادی با ایمان راسخ به آرمان های حزب وجود داشتند که چنین شهامت را تبارز می دادند اما امروز کی ها به نام چپ و دموکراتیک در پارلمان نشسته اند؟ آنها کی دیگر ایمان و باوری به آرمان های زحمتکشان افغانستان ندارند و تا کنون کوچکترین کار مثبتی برای رفاه عامه نکرده اند، لاقلاً صدای رسای بنام مردم و حقوق شان بلند نمی کنند پس این حضور بی طرف و غیر فعال به درد چه کسی خواهد خورد غیر از اینکه شریک یک نظام سیه کار معرفی شوند + اگر همه این "چپی" ها را با دختر جوان ملالی جويا در ترازو بگذارید پلهء آن دختر در زمین و ازین "چپی های" پردغدغه در هوا است +

پارلمان افغانستان درین اواخر سند رسوای را بخاطر عفوہ جنایتکاران جنگی زیر نام مصالحهء ملی به تصویب رسانید که آرزو دارم "چپی های" پارلمان دستی درین

رسوایی نداشته باشند و اگر چنین باشد که فردی و یا افرادی از آنها در تهیهء مسوده و کمپاین رای دهی به نفع آن شرکت ورزیده باشند نفرین ابدی مردم را کمائی کرده اند.

بحث را بیشتر طولانی نمی سازم، امیدوارم چیزهای در گفته هایم دریابید که قابل پذیرش باشند و به خوانش پاسخ های نهضت آینده درین نزدیکی ها نیز توفیق یابیم.

با احترام

www.ayenda.org